

میلیاردرهای دنیا چقدر ثروتمندتر شده‌اند

در سال گذشته ثروت تنها ۲۶ نفر از افراد میلیاردر، با مجموع دارایی سه میلیارد و ۸۰۰ میلیون نفر دیگر برابری می‌کرد.



در سال گذشته ثروت تنها ۲۶ نفر از افراد میلیاردر، با مجموع دارایی سه میلیارد و ۸۰۰ میلیون نفر دیگر برابری می‌کرد. در ۱۰ ساله که از وقوع بحران اقتصادی جهانی می‌گذرد، دارایی افراد ثروتمند بطور قابل توجهی افزایش یافته است. تعداد کسانی که ثروت میلیارد دلاری دارند تقریباً دو برابر شده و بین سال‌های ۲۰۱۷ تا ۲۰۱۸ تقریباً هر دو روز یک نفر به جمع میلیاردرهای اضافه شده است. این در حالی است که حدود نیمی از مردم جهان با درآمدی کمتر از پنج و نیم دلار در روز زندگی می‌کنند.

در حالی که ثروتمندان از افزایش درآمد خود سرخوشند، همزمان خودشان و شرکت‌هایشان از پرداخت کمترین میزان مالیات در چند دهه گذشته نیز بهره می‌برند؛ در عوض کسانی که «کار» می‌کنند بطور یکسانی مالیات می‌پردازند. وقتی دولت از افراد ثروتمند کمتر مالیات می‌گیرد، برای خدمات حیاتی مانند بهداشت و آموزش نیز منابع کمتری دارد و در نتیجه فقر و نابرابری افزایش پیدا می‌کند.

گفته می‌شود که «نابرابری جنسیت زده است»؛ یعنی اگر از خدمات عمومی غفلت شود همه رنج می‌برند اما زنان و دختران بیشترین تاوان را می‌پردازند. وقتی پولی در کار نباشد دختران اول از همه از تحصیل محروم می‌شوند و وقتی نظام درمانی مناسب نباشد، زنان از بستگان بیمارشان مراقبت می‌کنند. بنابراین می‌توان گفت رونق اقتصادی جوامع به سهم عظیم اما مغفول مانده‌ی زنانی که بی‌جیره و مواجب کار می‌کنند وابسته است.

همزمان در اغلب کشورهای خدمات عمومی دچار کسری بودجه‌ی همیشگی‌اند یا به بخش خصوصی واگذار شده‌اند که مردم فقیر امکان استفاده از خدمات آنها را ندارند. در نتیجه در بسیاری از کشورهای دنیا خدمات آموزشی و بهداشتی مناسب به کالایی لوکس تبدیل شده که تنها ثروتمندان امکان استفاده از آنها را دارند.

در اغلب کشورهای داشتن پول، رمز استفاده از خدمات بهداشتی مناسب و طول عمر بیشتر است؛ در حالی که فقر مساوی است با بیماری بیشتر و مرگ زودتر؛ بطوری که مردم کشورهای فقیر ممکن است بطور متوسط ۱۰ یا ۲۰ سال زودتر از مردم مناطق ثروتمند بمیرند. در کشورهای در حال توسعه احتمال مرگ قبل از پنج سالگی بچه‌ای از خانواده‌ای فقیر، دوبرابر بچه‌ی یک خانواده‌ی ثروتمند است.

شکاف رو به گسترش میان ثروتمندان و فقرا تنها بسط شکاف درآمد و ثروت نیست؛ براساس پژوهشی تازه، این شکاف به ثروتمندان کمک می‌کند زندگی طولانی‌تری داشته باشند در حالی که عمر آدم‌هایی که برای زندگی تقلا می‌کنند را کوتاه‌تر می‌کند. این پژوهش نشان می‌دهد تقریباً سه چهارم ثروتمندان آمریکایی که در سال ۱۹۹۲ در دهه‌ی پنجم و ششم زندگی‌شان بودند تا سال ۲۰۱۴ همچنان زنده بوده‌اند.

مطالعه «دفتر پاسخگویی دولت ایالات متحده» نشان می‌دهد طول عمر زیاد شامل حال همه‌ی افراد جامعه نمی‌شود و میزان بالاتر درآمد و ثروت، با میزان بیشتر طول عمر همراه است. این مطالعه که روی افراد متولد سال‌های ۱۹۳۱ تا ۱۹۴۱ میلادی انجام شده نشان می‌دهد از میان کسانی که جزء ۲۰ درصد کم درآمد جامعه‌ی آمریکا قلمداد می‌شدند، تنها ۵۲ درصد افراد در سال ۲۰۱۴ زنده بوده‌اند و از میان افرادی که در ۲۱ درصد با درآمد بالا بوده‌اند، ۷۵ درصد. در میان همین افراد ۷۵ درصد از کسانی که از دانشگاه فارغ التحصیل شده‌اند، تا سال ۲۰۱۴ زنده بوده‌اند و در مقابل از میان کسانی که تا دبیرستان درس خوانده بودند ۶۵ درصد در قید حیات بوده‌اند. دلیل این امر تا حدودی این است که افراد دارای تحصیلات دانشگاهی نسبت به افراد با تحصیلات پایین‌تر بطور متوسط درآمد و ثروت بیشتری دارند.

با این حال آمریکایی‌هایی که طول عمر بیشتری دارند هم در حال دست و پا زدنند؛ میزان کسانی که ۵۵ سال یا بیشتر دارند و هنوز مشغول کارند در سال‌های گذشته رو به افزایش بوده و از ۳۰ درصد در سال ۱۹۸۹ به ۴۰ درصد در سال ۲۰۱۸ رسیده است و این تا حدی به این دلیل است که راکد بودن دستمزدها مانع پس انداز و انباشت ثروت این قشر شده است.

با این حال در جهانی که امروزه بیش از هفت و نیم میلیارد نفر جمعیت دارد، که بیش از نیمی از آنها با فقر دست و پنجه نرم می‌کنند، افراد معدودی نیز هستند که ثروتی ده‌ها میلیارد دلاری دارند. در فهرست میلیاردرهای سال ۲۰۱۹ که هرساله توسط نشریه‌ی «فوربس» تهیه و منتشر می‌شود نام دو هزار و ۱۵۳ نفر از نقاط مختلف دنیا دیده می‌شود؛ از امارات و عربستان گرفته تا مکزیک و برزیل. البته این فهرست نسبت به سال گذشته ۵۵ نفر کمتر شده است و این کاهش، دهه‌ی گذشته دومین بار است که اتفاق افتاده و بطور معمول این فهرست به طعنه به طعنه می‌شود.

پراکندگی و جمعیت میلیاردرهای جهان در سال ۲۰۰۱
پراکندگی و جمعیت میلیاردرهای جهان در سال ۲۰۱۹

مجموع ثروت انباشته‌ی این افراد اکنون بالغ بر ۸.۷ تریلیون دلار است که به دلیل ناملايمات اقتصادی ۴۰۰ میلیارد دلار

نسبت به پارسال کاهش داشته است. در همین حال ثروت ۹۹۴ نفر از این فهرست نسبت به سال قبل کاهش داشته است، در حالی که سال گذشته ۳۶۰ نفر با کاهش دارایی مواجه بودند. میانگین ثروت افراد این فهرست نیز پارسال ۴.۱ میلیارد دلار بود که امسال به چهار میلیارد دلار کاهش یافته است. کاهش ثروت این افراد نشان می دهد حتی میلیاردرها هم از نیروهای اقتصادی و تغییرات سریع بازار جهانی مصون نیستند.

با این حال عمده ی ریزش های این فهرست از ثروتمندان چینی و اروپایی بوده که با توجه به تضعیف یورو نسبت به دلار ثروتشان کاهش پیدا کرده است. اما جف بزوس، مدیرعامل شرکت «آمازون»، تنها کسی که ثروتی بیش از ۱۰۰ میلیون دلار دارد (۱۳۱ میلیارد دلار) و حالا به عنوان ثروتمندترین مرد جهان شناخته می شود، نه تنها مثل سال گذشته در صدر این فهرست قرار دارد، بلکه نسبت به پارسال ۱۹ میلیارد دلار هم به ثروتش افزوده شده است.

روپای تبدیل شدن به یکی از افراد این فهرست شاید همگانی باشد اما حتی در ایالات متحده نیز همه با سرمایه داری موافق نیستند؛ نشریه ی فوربس در مقاله ای با موضوع نیاز سرمایه داری و سرمایه داران به تغییر رویه، اشاره می کند که در سال های اخیر نگاه ها به سرمایه داری و برتری نظام «بازار آزاد» تاحدی تغییر کرده است بطوری که مشابه بدبینی امروزی را در دهه ی ۱۹۳۰ که این نظام عمیق ترین بحران های خود را پشت سر می گذاشت می توان پیدا کرد. بر اساس نظرسنجی مؤسسه ی گالوپ در تابستان سال گذشته، تنها ۵۶ درصد از آمریکایی ها دید مثبتی به نظام سرمایه داری دارند و در همین حال ۳۷ درصد از مردمی که در «مهد سرمایه داری» زندگی می کنند به سوسیالیسم نگاه مثبتی دارند. همچنین بنا بر نظرسنجی «فاکس نیوز» که در همان مقطع انجام شده است، ۳۶ درصد از افراد بالغ آمریکایی نیاز به تغییر در نظام اقتصادی ایالات متحده را تأیید کرده اند؛ «دوری از سرمایه داری و پیش به سوی سوسیالیسم». این نظر در سال ۲۰۱۲، ۲۰ درصد طرفدار داشت که از آن زمان افزایش قابل توجهی را نشان می دهد.

این گرایش به سوسیالیسم و شکاکیت به سرمایه داری در میان متولدان هزاره ی جدید و «نسل Z» (متولدان اواخر قرن بیستم) نگاه غالب است؛ نظرسنجی گالوپ نشان می دهد ۵۱ درصد از افراد بین ۱۸ تا ۲۹ سال نگاه مثبتی به سوسیالیسم دارند و در مقابل ۴۵ درصد از این قشر به سرمایه داری خوش بینند. پژوهش دانشگاه هاروارد نیز نتایج این نظرسنجی را تأیید می کند و نشان می دهد ۵۱ درصد افراد از سرمایه داری حمایت نمی کنند و تنها ۱۹ درصد هویت خود را به عنوان طرفدار سرمایه داری تعریف می کنند.

مدیرعامل آمازون تنها در سال گذشته ۳۹ میلیارد دلار سود به جیب زد (۱۹ میلیارد دلار به ثروت شخصی اش افزوده شد) و با «بزرگ ترین سود تاریخ» لقب ثروتمندترین مرد جهان را از بیل گیتس، مدیرعامل مایکروسافت که سال های سال به تناوب این لقب را یدک می کشید، گرفت.

مکس لائوسون مدیر بخش «سیاست و نابرابری» مؤسسه ی «آکسفام» درباره ی افزایش تصاعدی دارایی های ثروتمندان می گوید: «ثروت میلیاردرها از سال ۲۰۱۰ به این سو شش برابر سریع تر از دستمزد معمول کارگران رشد کرده است. اقتصاد شکست خورده ی ما اقلیت پولدارها را پولدارتر می کند در حالی که اکثریت کارگران عادی برای بقا با دستمزدهای حداقلی تقلا می کنند. دولت باید اقتصادی بسازد که برای همه جوابگو باشد نه فقط برای اقلیت ثروتمند. باید مطمئن شوند که همه ی کارگران به اندازه ی گذران زندگی مزد می گیرند، شرکت ها و ابرثروتمندان مالیات بیشتری می دهند، زنان کارگر از حقوق یکسانی با مردان برخوردارند و قدرت و ثروت در سراسر جامعه توزیع شده است».

این نمودار نشان می دهد که ثروتمندان در دهه های گذشته کمتر و کمتر مالیات می پردازند جدیدترین گزارش نابرابری مؤسسه ی آکسفام نشان می دهد در سال گذشته ثروت میلیاردرها بطور متوسط روزانه دو و نیم میلیارد دلار افزایش یافته است و در همین حال نیمه ی فقیرتر جمعیت کره ی زمین که بالغ بر سه میلیارد و ۸۰۰ میلیون نفر است، شاهد کاهش دارایی خود بودند. شواهد تازه نشان می دهد قریب به سه میلیارد و ۴۰۰ میلیون نفر نیز فاصله ی کمی با «فقر مطلق» دارند. بنا به آمار، امروزه ثروتمندان نسبت به دهه های گذشته حدود ۲۰ درصد کمتر مالیات می پردازند و تخمین زده می شود که آنها برای فرار از مالیات حدود ۷.۶ تریلیون دلار از ثروتشان را در جزایر تفریحی نقاط مختلف جهان نگهداری یا به عبارت بهتر پنهان می کنند.

به عبارت دیگر اینکه هر ساله چند نفر به میلیارد دلاری ها اضافه می شود و در مقابل میلیون ها نفر فقیرتر می شوند، بیش از آنکه نشانگر رونق و پویایی اقتصاد جهانی باشد، نشانگر بیماری اقتصاد است؛ اقتصادی که به نابرابری دامن می زند و همزمان که گروهی معدود روز به روز ثروتمندتر می شوند، یک نفر از هر ۹ نفر سر گرسنه به بالین می گذارد. هرچند نظام سرمایه داری همواره مدعی بوده است با اعطای آزادی به افراد و در جریان «بازار آزاد» هرکس به اندازه ی استعداد و توانایی خود از خوانی که گسترده شده بهره می برد اما این ایده در عمل با چالش روبروست و گذشته از این، باید در نظر داشت که گسترش نابرابری و شکاف فزاینده بین ثروتمندان و فقرا، موجب تضعیف مبارزه با فقر، آسیب به بنیان های اقتصادی و ایجاد خشم عمومی است.